

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ا. م. شیرى
۰۴ سپتمبر ۲۰۱۳

نظری بر بیانیه هیأت سیاسی - اجرائی سازمان (اکثریت)

هیأت سیاسی - اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در رابطه با استفاده از سلاح کیمیائی در حومه دمشق بیانیه ای تحت عنوان «کاربرد سلاح کیمیائی در سوریه را محکوم می کنیم!»^(۱)، صادر کرده، که تفاوت‌های فاحشی با واقعیت جنگ استعماری- تروریستی علیه سوریه و موضعگیری کشورهای مختلف پیرامون آن دارد. به همین سبب، سعی می کنم این بیانیه را به روش طرح سؤال در مقابل نویسندگان آن و توضیحات و پاسخ خود، مورد نقد و بررسی قرار دهم.

اولین و مهمترین سؤالی که آقایان هیأت سیاسی - اجرائی سازمان اکثریت باید پاسخ آن را بدهند این است، که آیا بیانیه آنها به اسناد، مدارک و شواهدی غیر از داده ها و گزارشات ناتوی رسانه ئی مبتنی است یا نه؟ اگر آری، چرا اخبار و گزارشات ناتوی رسانه ئی را تحریف کرده اند؟ و اگر نه، باید منابع و اسناد بیانیه خود را مشروط بر این که جزو اسناد سری سازمانی شان طبقه بندی نکرده باشند، علنی و اعلام کنند!

سؤال بعدی و ماتبعی سؤال اول این است که بر اساس کدام اخبار، اسناد و شواهد، جنگ استعماری- تروریستی طراحی شده از سالها قبل و به مدیریت و فرماندهی غرب امپریالیستی و دست نشانندگان منطقه آن را «جنگ داخلی سوریه» تعریف و تلقی می کنید؟ در همین رابطه، برای راحتی خیال آقایان هیأت سیاسی- اجرائی سازمان «اکثریت»، ذکر این نکته باریکتر از مو لازم به نظر میرسد، که ماهیت جنگها با اهداف، آمران و عاملان آنها تعیین و تعریف می شود نه با تابعیت سربازان. در رابطه با جنگ «برخی از دولتهای غربی» علیه سوریه تردید زیادی وجود ندارد، که از آن مستعمره سازی مجدد سوریه، آمر آن دولت مخفی صهیونیستی و مجری آن دولتهای امپریالیستی به سرپرستی امپریالیسم امریکا می باشد. بنابر این، اولاً- آیا شما هیچ وقت از اخبار و گزارشات رسانه ها (ناتویی یا مستقل)، اظهارات، بیانات و موضعگیریهای مقامات رسمی دولتهای امپریالیستی را نشنیده اید، که برای تعلیم و تربیت تروریستها و آدمخواران، اردوگاههای آموزش امور جنگی در کشورهای مختلف، از جمله در ترکیه، لیبیا، قطر، عربستان، اردن و برخی کشورهای دیگر ایجاد نموده و اعلام کرده اند، بودجه «شورشیان سوریه» (باندهای تروریستی) را تأمین کرده، ادوات و تجهیزات جنگی، لجستیکی، وسایل ارتباطی و غیره در اختیار آنها می گذارند؟ ثانیاً- آیا واقعاً هیچ خبر و اطلاعی ندارند که خلاف رقم ۵ - ۶ هزار نفر مزدور خارجی که ناتوی رسانه ئی عمداً و آگاهانه اعلام می کند، به گفته رسانه ها و منابع مستقل، بیش از ۸۰ هزار نفر

مزدور از کشورهای مختلف، از جمله، از کشورهای عربستان، اردن، قطر، مخصوصاً لیبیا، ترکیه، روسیه، همه کشورهای اروپائی، پاکستان، افغانستان و غیره با دریافت دالرهای نفی عربستان سعودی و قطر، و با تجهیزات و ادوات جنگی امپریالیستهای امریکا و اروپا و اسرائیل و به فرماندهی آنها علیه دولت، ارتش و خلقهای سوریه می‌جنگند؟

در رابطه با استفاده از سلاح کیمیائی علیه شهروندان سوریه، در بیانیه هیأت سیاسی- اجرائی سازمان «اکثریت» گفته می‌شود: «صرفنظر از این که کدام طرف بحران خونین سوریه (چرا کدام طرف بحران، نه کدام طرف جنگ استعماری) مسؤول این اقدام باشد...». آقایان! شما که به همین راحتی و با یک چرخش ساده قلم، جنگ استعماری- تروریستی علیه کشور و مردم سوریه را «جنگ داخلی سوریه» یا «بحران سوریه» تعریف می‌کنید، چگونه نمی‌توانید تشخیص دهید «کدام طرف بحران» مسؤول این اقدام است؟ به نظر شما یک آدم بیطرف این فرمولبندی شما را چگونه باید معنی کند؟ آیا این بیان مبهم و سفسطه‌گرانه، صرفاً برای «خالی نبودن عریضه» و گریز از مسؤولیت نیست؟

در رابطه با تسلیحات کیمیائی سوریه، تصور نمی‌کنم آقایان عضو هیأت سیاسی- اجرائی سازمان (اکثریت) اطلاع نداشته باشند، که بعد از تسلیح اسرائیل به سلاحهای اتمی توسط «برخی کشورهای غربی»، دولت سوریه به منظور بازدارندگی و تأمین امنیت مردم و کشور، اجباراً به ساخت تسلیحات کیمیائی خود اقدام کرد نه برای استفاده محدود از آن در حومه دمشق آنهم درست در آستانه ورود بازرسان کیمیائی سازمان ملل بعد از تأخیر نزدیک به شش ماهه (از ماه مارچ تا ماه اگست).

در بخش دیگری از همین بیانیه آمده است: «نیروهای افراطی "حفظ امنیت سوریه را مهمتر از امنیت خوزستان" تلقی کرده و حمله نظامی به آن کشور را خط قرمز جمهوری اسلامی دانسته و از واکنش نسبت به هرگونه حمله صحبت می‌کنند...».

آقایان! منظور شما از این فرمولبندی هر چه باشد، اما واقعیت آن عبارت از این است که: اولاً- ماهیت و جوهر اصلی این فرمولبندی همان شعار ضد انسانی و ضد اخلاقی «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران» است که در جریان «انقلاب» نافرجام «سبز» سال ۱۳۸۸ در ایران، پیروان و طرفداران سیاستهای استعماری امپریالیسم در میان معترضان ساده لوح ایرانی شایع و رایج کردند. ثانیاً- به نظر شما، چرا «امریکا و متحدان او» از حق مداخله در امور داخلی سوریه، آموزش باندهای تروریستی و تأمین تسلیحات و تجهیزات جنگی آنها و همچنین اعزام آنها به جنگ مردم و ارتش سوریه برخوردارند، ولی ایران حق دفاع از کشور ستمدیده را ندارد؟ چرا امریکا حق دارد «استفاده از سلاح کیمیائی در سوریه» را «خط قرمز» خود تلقی نماید، ولی، ایران نباید حمله استعمارگران غربی به کشور مستقل سوریه و خلقهای آن را به عنوان «خط قرمز» خود تعیین کند؟ آیا اقدام «برخی دولتهای غربی و عربی» (؟) ماجراجویانه تر است، یا حمایت ایران از دولت قانونی سوریه و دفاع از موازین و مقررات بین المللی؟ صرفنظر از هر پاسخ احتمالی هیأت سیاسی- اجرائی سازمان اکثریت به این پرسشها، این ادعای آنها هیچ مفهوم دیگری غیر از به رسمیت شناختن و تأیید تام و تمام «حق قوی» ندارد.

هیأت سیاسی - اجرائی سازمان (اکثریت) در بیانیه خود «سری هم به صحرای کربلا زده» و «حل مسأله بحران هسته ئی ایران» را پیش کشیده است. سؤال جالب توجه این است: آیا این آقایان واقعا هم باور دارند برنامه هسته ئی ایران موجب نگرانی غرب است و ایران باید با «اعتمادسازی و شفاف سازی» این مسأله را حل کند؟

اگر آقایان بر این باور باشند، باید فاتحه همه حقیقت را خواند و عین حال از این آقایان پرسید: چرا زرادخانه هسته‌ی کشورهای امپریالیستی، به ویژه، امریکا، اولین و آخرین کشور استفاده‌کننده از بمب هسته‌ی علیه بشریت، که تسلیحات اتمی خود را حتی در بسیاری از کشورهای غیرهسته‌ی، از جمله، در ترکیه، ایتالیا، بخش بزرگی از سرزمین فلسطین (اسرائیل) مستقر کرده، موجب نگرانی ایران و «جامعه جهانی» نیست؟ اما، عجیب است که برنامه هسته‌ی ایران موجب نگرانی «برخی کشورهای غربی» شده است! وانگهی، اگر هیأت سیاسی-اجرائی سازمان اکثریت راست می‌گوید، که برنامه هسته‌ی ایران و یا مثلاً فقدان دموکراسی ناتوئی-امپریالیستی و عدم رعایت حقوق بشر کذائی در ایران باعث اعمال تحریمها علیه خلیج‌های کشور ما شده، ناچاراند به این سؤال هم پاسخ دهند: کشور یونان چه مشکلی با امریکا و «متحدان او» داشت که اقتصاد این کشور را به ورطه ورشکستگی کامل کشاندند؟ اسپانیا را چرا؟ ایتالیا، پرتغال، ایرلند و... چه؟ نه آقایان، جای این حرفهای مفت و تحلیلهای آبکی نیست. اگر حرف حسابی دارید، بزنید و اگر نه، خموشی طلاست.

بیانیه هیأت سیاسی - اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هر چه به بندهای پایانی خود نزدیکتر می‌شود، محتوای مغرضانه خود را باز هم واضحتر می‌سازد. این آقایان نوشته‌اند: «ما از دولت ایران می‌خواهیم که در صورت حمله نظامی امریکا و متحدین او به سوریه، به خواست نیروهای افراطی برای کشاندن پای کشور به این جنگ تن ندهد، اقدامات آن‌ها را مهار کند و برای مجامع بین‌المللی مشخص کند که مواضع دولت ایران تنها از جانب سخنگوی آن اعلام می‌شود و مواضع نیروهای افراطی از اعتبار برخوردار نیست...». نویسندگان این جملات باید پاسخ صریح این پرسشها را بدهند:

۱- اگر در جلو چشم آنها امریکا و متحدین او (به جای او، ضمیر آن صحیح است) نه تنها سوریه، بلکه، هر کشور مفروض دیگر را بمباران بکنند، زیرساخت هایش را ویران و نابود سازند، مایملکش را به تاراج ببرند، به قتلعام خلقهایش دست بزنند و... آیا می‌توان تحت پوشش کلمه مذموم «افراطی» و همچنین، تحت بهانه «به خواست نیروهای افراطی برای کشاندن پای کشور به این جنگ تن ندهد...»، اعلام بیطرفی کرد؟

۲- مفهوم چنین خواسته‌ای، صرفنظر از هر جنبه‌اش، فقط به لحاظ اخلاقی ضد انسانی نیست؟

۳- آیا اتخاذ موضع بیطرفی در جنگ «قوی و ضعیف» از نظر اصول منطق، حمایت از «قوی» نیست؟

۴- چرا این آقایان در این بیانیه یک خواهش خشک و خالی از «امریکا و متحدان او» نکرده‌اند به سوریه حمله نکنند؟

گذشت از موارد مذکور، «شاه بیت» بیانیه آقایان اکثریتی چنین است: «حمایت نظامی و سیاسی حکومت دمشق توسط جمهوری اسلامی و روسیه از یک سو، و کمک برخی کشورهای عربی (؟) در کنار برخی از دولت‌های غرب (؟) به گروه‌های افراطی مخالف اسد از سوی دیگر، به قربانی شدن بیش از صد هزار تن از مردم سوریه و آوارگی صدها هزار سوری انجامیده است...». آیا معنی این فرمولبندی آقایان این نیست، که در وهله نخست، «حمایت نظامی و سیاسی حکومت دمشق توسط جمهوری اسلامی و روسیه» و در وهله بعدی، «کمک برخی کشورهای عربی در کنار برخی از دولت‌های غرب به گروه‌های افراطی مخالف اسد» باعث «قربانی شدن بیش از صد هزار تن از مردم سوریه و آوارگی صدها هزار سوری» گردیده است؟ آیا این بدان معنی نیست که ایران، روسیه و چین، اصولاً نباید مانع از آن می‌شدند که «امریکا و متحدان او» فجایع هولناک افغانستان، عراق، سومالی، یوگسلاوی، لیبیا و... را در سوریه تکرار می‌کردند؟

این جملات آقایان اکثریتی: «اگر جمهوری اسلامی می‌خواهد از احتمال دخالت نظامی غرب در سوریه بکاهد، باید به جای دمیدن بر آتش جنگ سوریه، دولت اسد را برای مذاکره با همه گروه‌های مخالف تحت فشار بگذارد و در این راستا از نفوذ خود بر حکومت دمشق بهره گیرد...»، دیگر یک «شاهکار بانگ خروس نشنیده» است. به این ترتیب، آقایان سعی کرده‌اند این شائبه را به افکار مخاطبانشان القاء کنند، که انگار این دولت «دولت اسد» است که از «مذاکره با همه گروه‌های مخالف» امتناع می‌کند، نه «امریکا و متحدان او»، از جمله، شیوخ عهد دقینوسی عربستان، قطر و نخست‌وزیر صهیونیست ترکیه. شگفت آور است! نه؟ اگر آقایان به گفته خود واقعا باور دارند،

اولاً- باید ادعای خود را بر سند و مدرک، یا حداقل به شواهد مبتنی سازند و بیگناهی غرب در دخالت احتمالی نظامی غرب در سوریه را به اثبات برسانند.

ثانیاً- باید «همه گروه‌های مخالف» مورد نظر خود را معرفی کنند. گروه‌های مورد نظر آقایان کدامند؟ «ارتش آزاد سوریه» که نه ارتش است و نه آزاد یا اخوان المسلمین، تکفیری‌ها، سلفی‌ها، وهابیون، جبهه النصره و القاعده، ساخته‌های اتاقهای فکر دولتهای امپریالیستی و تحت فرمان سازمانهای امنیتی «برخی دولتهای غربی»؟ ثالثاً- باید بپذیرند، که در این چنین مواردی، هر حرف و سخنی باید مستند و مستدل باشد. داستان «سنگ مفت، گنجک مفت» در این قضیه صدق نمی‌کند. در اینجا حرفی و بازی با الفاظ جایی از اعراب ندارد.

رابعاً- شگفت آور است آقایان هیأت سیاسی- اجرائی سازمان اکثریت این اخبار ناتوی رسانه‌ئی را فراموش کرده‌اند، که در طول دو سال و نیم گذشته جنگ «برخی دولتهای غربی و عربی» علیه سوریه، بارها اتفاق افتاده که میانجی‌های سازمان ملل متحد در امور سوریه (قبلاً، کوفی عنان و در حال حاضر، اخضر ابراهیمی) به مناسبت‌های مختلف (برخی ماهها و اعیاد مقدس دینی)، پیشنهاد آتش بس، حتی موقت داده‌اند، اما در مقابل پاسخ مثبت دولت سوریه، قبل از هر کسی، بارک اوباما، دیوید کامرون، فرانسوا اولاند (این «سوسیالیست» همفکر هیأت سیاسی- اجرائی سازمان اکثریت، که در عرصه دروغگوئی و جنایتکاری روی گوبلز و هیتلر را سفید کرده)، رجب طیب اردوغان و شیوخ نفتی عربستان و قطر، این فرماندهان پیش‌صحنه و «بازهای» پیش‌قراول جنگهای تروریستی- استعماری، بلافاصله اعلام کرده‌اند، «آتش بس بی آتش بس! عنقریب است که اسد سرنگون شود». با وجود انبوه اخبار و گزارشات در تأیید واقعیت فوق، ادعای واهی و ضدمیهنی «دمیدن (ایران) بر آتش جنگ سوریه» و خواست اعمال «فشار به دولت اسد برای مذاکره با همه گروه‌های مخالف» چه مفهومی جز تف کردن به چهره حقیقت، به مردمک چشمان این بزرگترین مظلوم تاریخ بشر می‌تواند داشته باشند؟ علاوه بر اینها، هیأت سیاسی- اجرائی سازمان اکثریت که چنین مدعای موهنی را مطرح می‌کند، لازم است پاسخ روشن این پرسش ساده را بدهد: چه کسانی یا دولتهائی از اجرای مفاد توافقات کنفرانس «ژنو ۱» دایر بر ادامه مذاکرات برای حل و فصل جنگ علیه سوریه سر باز زدند و چه کسانی یا دولتهائی برگزاری کنفرانس «ژنو ۲» تا کنون سنگ اندازی کرده و حتی مخالف برگزاری آن هستند؟

سیاست مشابه همین «رهبری» سازمان اکثریت در قبال واقعه جنون آمیز اشغال و ویرانی لیبیا و کشتار مردم و رهبری آن، این مرفه‌ترین کشور و مردم جهان، که آثار دوره چهل ساله استقلال آن در کتاب رکوردهای گینس ثبت گردیده، بدان منتج شد، که همین هیأت سیاسی- اجرائی سازمان اکثریت، پیروزی ناتو و کشورهای دوره پارینه سنگی حوزه خلیج فارس بر کشور و مردم لیبیا را «انقلاب» نامید و به مناسبت آن، به «مردم لیبیا»، به سخن دقیق‌تر، به سران ناتو، سازمان تروریستی القاعده، شیوخ نفتی قطر، عربستان و همپالگی هایشان «پیام

شادباش»^(۱) فرستاد. و این در حالی اتفاق افتاد، که «رهبری» سازمان اکثریت پاسخ این سؤالات را تا کنون روشن نکرده، که چه شناخت و تحلیل مشخصی از لیبیا داشت؟ آیا عواقب و پیامدهای هجوم تروریستهای ناتو و تروریسم بین الملل به لیبیا و اشغال استعماری این کشور را مورد مطالعه و بررسی قرار داده است یا نه؟ اگر نه، چرا؟ و اگر آری، چرا در سطح جامعه اعلام نمی کند؟

آقایان هیأت سیاسی- اجرائی سازمان اکثریت! از شما می پرسم: پس کو آثار «بمباران اعتراضات مسالمت آمیز مردم توسط جنگنده های دولت وقت لیبیا»؟ کجاست دموکراسی و آزادی اهدائی غرب به مردم لیبیا؟ «تسلیمات کشتار جمعی عراق» که نمونه آن راکولین پاول در شورای امنیت سازمان ملل متحد نشان داد، کو؟ آیا می دانید که دولت تروریستی و دست نشانده ناتو در لیبیا نه فقط امنیت کشور، حتی امنیت خودش را هم نمیتواند تأمین کند؟ آیا از این واقعیت تلخ اطلاع دارید که در حال حاضر بیش از ۵۶۰ گروه و دسته مسلح برای گرفتن حق السهم بیشتر از بقایای ثروت لیبیا با هم می جنگند؟

آقایان «رهبران» سازمان اکثریت! آیا پاسخ این پرسشها را می توانید بدهید، که تمامی موجودی طلا و جواهرات خزانه دولتی لیبیا، ذخیره ارزی و موزه های آن چگونه مصادره شد و به یغما رفت؟ آیا خبر دارید که چه نهادی بر صادرات نفت و گاز لیبیا نظارت می کند و بهای آنها چگونه پرداخت می شود یا نه؟... اگر آری به کدام ارگان یا نهاد لیبیا؟

بالاخره، در پایان از هیأت سیاسی- اجرائی سازمان اکثریت مصرانه می خواهم پوشش عناوین مبهم «برخی کشورهای عربی، برخی از دولتهای غرب و گروههای افراطی مخالف اسد» را کنار بزند تا «سیه روی شود هر که در او غش باشد».

به رغم همه اینها، تردید زیادی وجود دارد، که آقایان واقعاً «اکثریتی» (اکثریت در مقابل کدام اقلیت) پاسخ هیچ یک از سؤالات را نخواهند داد. چرا که امیدواری به پیروزی خرد و عقلانیت در میان رهبری این سازمان بسیار بیش از آنچه که گمان می رود، بعید و دور از انتظار است.

و سرانجام، از همه دوستداران صلح و امنیت جهانی، مبارزان راه آزادی، استقلال و مصونیت همه خلقها و کشورهای جهان از شر امپریالیسم جهانی تقاضا می کنم برای دادن پاسخ روشن به پرسشهای فوق، هیأت سیاسی- اجرائی سازمان اکثریت را زیر فشار قرار دهند و همچنین، در صورت علاقه مندی، با بیان نقطه نظرات خود، مرا نیز در راه جست و جوی حقیقت یاری دهند.

(1)- <http://kar-online.com/node/6791>

(2)- <http://www.kar-online.com/wp/21960>

۱۲ سنبله- شهریور ۱۳۹۲